

بیانات در دیدار جمعی از اعضای گروه‌های جهادی - 23 مرداد/ 1398

بسم الله الرحمن الرحيم

اولاً از دیدار شما عزیزان، جوانها خیلی خوشحال شدم و بیاناتتان را با دقت گوش کردم و به معنای واقعی کلمه از بسیاری از حرفهایی که شما دوستان زدید، بهره‌مند شدم؛ یعنی واقعاً استفاده کردم. خدا را شکر، ما در مجموعه‌ی نیروهای جهادی، مجموعه‌های کارآمد، اهل فکر و اهل برنامه‌ریزی داریم.

آن چیزی که من می‌خواهم عرض بکنم دو سه نکته است؛ البته مطالبی یادداشت کرده‌ام [ولی] می‌بینم که خب شما غالباً به آنها توجه دارید و لزومی ندارد که حالا آنها را من تکرار کنم. من دو سه نکته را یادآوری می‌کنم:

یکی اینکه میدان جهاد، میدان خیلی وسیعی است؛ یعنی شاید ده برابر این مقداری که شما حالا پیش رفته‌اید، می‌توانید پیش بروید؛ جهاد این جوری است. جهاد یعنی یک حرکت جوشیده‌ی از اعتقاد و باور قلبی و ایمان و به کارگیری توانایی‌ها؛ اگر چنانچه آن ایمان وجود دارد، آن باور قلبی وجود دارد، پس این کار حدّ نهایی ندارد؛ چون توانایی‌ها حدّ نهایی ندارند؛ توانایی‌های انسان واقعاً هیچ حدّی ندارد، اندازه ندارد. دل شما، روح شما، ذهن شما، مغز شما توانایی فوق‌العاده‌ای دارد؛ یعنی [مثل] این کارهایی که کرده‌اید.

همین که از بیست سال پیش تا حالا از کارهای ساده‌ی آن چنانی رسیده‌اید به برنامه‌ریزی‌های کلان این چینی، این را ادامه بدهید؛ همین طور پیش بروید و بگذارید ما یک مجموعه‌ی عظیمی از نسل انقلاب اسلامی را در کشورمان شاهد باشیم که از لحاظ سطح فهم مسائل مدیریتی و خدمت‌رسانی و ایجاد عدالت و قیام به قسط - که اینها در اسلام لازم است و جامعه‌ی اسلامی قیام به قسط لازم دارد - به جایی برسد که ذهنهای معمولی بشر به آنجا نرسیده و باید از آن الگو بگیرند. این یک [نکته] که خلاصه‌اش پیشرفت در جهت اندیشه‌ی جهادی و کار جهادی و فکر جهادی است.

دوم اینکه ببینید، آن وقتی کار، شکل عمومی و مردمی پیدا خواهد کرد که این فکر شما، این جهت‌گیری شما تبدیل به یک گفتمان عمومی بشود. [شما] در این مجموعه‌ی دوازده هزار [گروهی] که ایشان می‌گویند، (۱) ده درصد جوانهای کشور، یا مثلاً پانزده درصد جوانهای کشور هستید؛ آن ۹۰ درصد یا ۸۵ درصد دیگر چرا باید از این حرکت جهادی مبارک، از این کار محروم بمانند؟ سعی کنید ترویج کنید و این ترویج در صورتی آسان خواهد شد که به گفتمان تبدیل بشود. ما در طول گذشته‌ی خودمان، در مسائل گوناگونی این را داشته‌ایم که حالاً مثلاً هایش در ذهنم هست و دیگر نمی‌خواهم [بگویم]. شما می‌توانید با ترویج این گفتمان عده‌ی خودتان را افزایش بدهید؛ همچنان که کیفیت خودتان را زیاد می‌کنید، کمیّت خودتان را هم می‌توانید افزایش بدهید که یکی از وسایلش همان است که به ایشان گفتم: (۲) [یعنی] کار تبلیغاتی است؛ تبلیغات درست، تبلیغات هنری.

من گاهی اوقات می‌بینم که تبلیغات و کارهای خوبی شده؛ حالا مثلاً فرض کنید همین قلعه‌ی گنجی (۳) که یکی از دوستان اشاره کردند و بنده در جریانش هستم؛ خب [در مورد] قلعه گنج هم مدام گفته شده، اما مردم این را نمی‌دانند که یک کاری در یک گوشه‌ی کشور، در یک منطقه‌ی محروم به وسیله‌ی یک جمع باهمت انجام گرفته که تقریباً محرومیت را از یک بخشی از منطقه ریشه‌کن کرده؛ این چیز مهمی است؛ این را مردم نمی‌دانند؛ اگر چنانچه همین معلوم بشود، شما ببینید چقدر امید در جوانها به وجود می‌آورد. حالا در دنباله‌ی موضوع افزودن بر کمیّت

عاملین به فکر جهادی و جهادگران، این را عرض بکنم که باید این فکر را، این کار را، این حرکت را در محیط‌های خانوادگی، در محیط‌های دانشکده، در مدرسه، در محیط کار ترویج کنید که ان شاء الله دنبال کنند؛ این هم یک نکته.

نکته‌ی مهمی که به نظر من هست، مسئله‌ی ثبات و عدم لغزش است؛ من خواهش می‌کنم به این اهمیّت بدهید. شما با یک مجموعه‌ی جوان دارید کار می‌کنید؛ جوان در معرض دو آسیب است: یکی آسیب عدم ثبات در راه، آن تغییر فکری؛ یکی هم آسیب دچار شدن و مبتلا شدن به ابتلائات بشری؛ مَجْمَل و سرپسته‌اش این است. مراقب باشید این جوانهای شما از این آسیب‌ها محفوظ بمانند؛ در صراط مستقیم ثبات لازم است، باید دارای ثبات باشند.

حالا غیر از کار اعتقادی و فکری و مانند اینها که حتماً در جای خود لازم است، یک مقداری‌اش مربوط میشود به کار عملی؛ یعنی عبادت، توجّه، اوّل وقت نماز خواندن، حتماً هر روز قرآن خواندن، در حدّ امکان پرداختن به مستحبات. فرض کنید در یک منطقه‌ای یک مشّت جوان دارند کار میکنند، حتماً نمازشان را در مسجد بخوانند و اوّل وقت بخوانند و نماز خوب و با توجّه بخوانند. رعایت اخلاص؛ سعی کنند که کار را برای خدا انجام بدهند که این کار در سنین ماها کار سختی است؛ اگر سابقه نداشته باشیم، نکرده باشیم، از جوانی به فکرش نبوده باشیم و حالا بخواهیم خودمان را مخلصاً وارد میدان بکنیم، خیلی کار سختی است. در سنین شماها خیلی کار آسانی است؛ در سنین جوانی اخلاص آسان است. میتوانید واقعاً نیتتان را برای خدا خالص کنید؛ وقتی که نیت را خالص کردید، رحمت الهی و هدایت الهی از همه طرف برای شما میبارد؛ هُدًی لِّلْمُتَّقِينَ؛ (۴) قرآن هدایت خودش را برای متّقین قرار میدهد. واقعاً اگر چنانچه این رعایتها بشود، هدایت الهی و کمک فکری الهی هم زیاد خواهد شد. ان شاء الله موفق باشید.

والسلام علیکم ورحمة الله

(۱) اشاره به سخنان آقای مهدی زهرایی (از اعضای گروه‌های جهاد) در مورد تغییر تعداد گروه‌های جهادی از چهل گروه در سال ۱۳۷۹، به دوازده هزار گروه در سال ۱۳۹۸

(۲) پاسخ معظم‌له به گزارش آقای عظیم ابراهیم‌پور (از اعضای گروه‌های جهادی) در مورد اشتغال زایی و محرومیّت‌زدایی ۲۸۹۸ روستا در مدّت زمان دو سال و نیم توسط نیروهای جهادی: این فعالیت‌هایی که شما می‌گویید در ۲۸۰۰ روستا و مانند اینها انجام گرفته، یک جوری به اطلاع مردم باید برسد؛ یعنی یک کار رسانه‌ای عقلایی و هنرمندانه و درست باید انجام بگیرد. در این زمینه‌ها به نظر من خیلی کم کار میشود؛ یعنی شما الان فکر کنید، مثلاً می‌گویید هزارها روستای محروم وجود دارد - که وجود دارد و ما هم میدانیم - منتها چند هزار روستا را یک گروه جوان بدون اینکه از بودجه‌ی دولت استفاده کنند، بدون اینکه تحمیلی بر کسی باشند، توانسته‌اند به این نقطه برسند که حالا یا کارآفرینی بشود یا از این قبیل کارها و از محرومیّت خارج کنند؛ این خیلی چیز مهمی است؛ این را چرا مردم نمی‌دانند؟ نوع ارائه‌ی خبر و اطلاع‌رسانی خیلی مهم است؛ [اینکه] چه جوری اطلاع‌رسانی خواهید کرد؛ یعنی واقعاً یک گروهی گماشته بشوند برای همین که ببینند چه جوری میشود اطلاع‌رسانی کرد.

(۳) شهری در استان کرمان

(۴) سوره‌ی بقره، بخشی از آیه‌ی ۲: «... مایه‌ی هدایت تقوایبشگان است.»



دفتر مقام معظم رهبری
www.leader.ir